



دعای پیامبر برای خود و علی(ع)/ در دعا تنگ نظر نباشیم

حضرت آیت الله مجتبی تهران با تأکید بر اینکه در دعا نباید تنگ نظر باشیم و باید هرچه را برای خود می‌خواهیم برای دیگران نیز بخواهیم، گفت: انسان باید در دعاهايش نسبت به غیر دقت کند و چیزی که تحقق آن محال است را درخواست نکند.

گروه دین و اندیشه: حضرت آیت الله مجتبی تهران با تأکید بر اینکه در دعا نباید تنگ نظر باشیم و باید هرچه را برای خود می‌خواهیم برای دیگران نیز بخواهیم، گفت: انسان باید در دعاهايش نسبت به غیر دقت کند و چیزی که تحقق آن محال است را درخواست نکند.
مروری بر مباحث گذشته

گفته شد ماه مبارک رمضان ماه تلاوت کلام الهی، قرآن است که از مصدر وحی نازل شده است و ماه دعا، یعنی راز و نیاز کردن عبد با رب و مطرح کردن خواسته‌هایش با او است، چه در قالب دعا‌های مأثور باشد و چه غیر مأثور.

دعا‌های مأثور، دعا‌هایی هستند که از طریق معصومین به ما رسیده است که قالب‌ریزی خاص خودش را دارد و دعای غیر مأثور، تقاضاها و حاجاتی است که خودمان قالب‌ریزی می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم.

ما از دعا‌های مأثور مطالب بسیاری را استفاده می‌کنیم؛ از جمله "رابطه بین دعوت و دعا" بود که گفتیم روش انبیا نسبت به امت‌هایشان این‌گونه بود که مردم را دعوت می‌کردند و بعد هم آن‌ها را دعا می‌کردند. اول که دعوت می‌کردند، مردم نمی‌پذیرفتند یعنی در ابتدا با عدم پذیرش مواجه می‌شدند، اما سرخورده نمی‌شدند مردم را دعا می‌کردند و اهل نفرین نبودند. جلسه گذشته این مطلب را در آخر بحث مطرح کردم و جهتش را هم عرض کردم.

پیامبر، پیامبر رحمت است نه لعنت!

حالا من این مطلب را نسبت به پیغمبر اکرم(ص) عرض می‌کنم. در تاریخ می‌نویسند: «؛لما گسرت رباعيته و شج وجهه يوم احد شق ذلك على اصحابه شقا؛ وقتی در جنگ احد دندان‌های میانی پیغمبر اکرم را شکستند و صورت حضرت را هم شکافتند، این حادثه برای یاران پیغمبر خیلی سخت و گران آمد و به پیغمبر عرض کردند: «؛لو دعوت عليهم؛ کاش شما این‌ها را نفرین کنید!

حضرت جواب دادند: «؛انی لم ابعث لغانا؛ من مبعوث نشده‌ام که نفرین کنم. «؛ولکنی بعثت داعیا و رحمة. بلکه من مبعوث شده‌ام برای این که مردم را به حق دعوت کنم و برای رحمت مبعوث شده‌ام. به این دلیل است که می‌گوییم پیامبر «؛رحمة للعالمین» است. بعد دارد که حضرت شروع به گفتن این جملات کرد: «؛اللهم اهد قومی فاتهم لا يعلمون» (عیون الاثر فی فنون المغازی والشمال والسير، ج 2، ص 434) خدایا این‌ها را هدایت کن، این‌ها نمی‌فهمند! این یکی از بهترین و گویاترین روایاتی است که در این باب داریم. در تاریخ هم هست که انبیا اهل دعوت و دعا بودند، نه نفرین.

دعا و دعوت در کلام پیغمبر اکرم

روایت دیگر، روایتی است که دو جور از عبدالله بن مسعود نقل می‌شود. در یکی می‌گوید: «؛لما قسم رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم غنائم حنین بالجعرانة اذحموا عليه؛ هنگامی که پیغمبر اکرم در جعرانه غنائم جنگ حنین را تقسیم می‌کردند، مردم هجوم آوردند. (جعرانه جایی است بین طائف و مکه، که به مکه نزدیک‌تر است.) «؛فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم ان عبدا من عباد الله بعثه الله الى قومه فضربوه وشجوه قال فجعل يمسح الدم عن جبهته ويقول رب اغفر لقومي انهم لا يعلمون؛ حضرت فرمود خدا بنده‌ای از بندگان خود را به سوی قومش فرستاد، اما مردم او را زدند و چهره‌اش را هم شکستند. (این بنده باید پیامبری از پیامبران الهی باشد، چون در روایت بعدی به این مسأله تصریح شده است)

پیغمبر اکرم نقل می‌کند که این بنده خدا خون را از پیشانی‌اش پاک می‌کرد و این جملات را می‌گفت: «؛پروردگارا، قوم مرا بیامرز! آن‌ها نمی‌دانند».

همین روایت را باز عبدالله بن مسعود به نحو دیگری نقل می‌کند: «؛قال عبد الله كأي أنظر إلى رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يمسح الدم عن جبهته يحكي الرجل ويقول رب اغفر لقومي انهم لا يعلمون» (مسند احمد، ج 9، ص 171) قوم یکی از پیامبران او را زدند، اما او برای هدایتشان دعا کرد. پس در دستگیری کردن و به راه حق هدایت کردن، صرف دعا کافی نیست؛ باید «؛دعا و

دعوت» همراه هم باشد.

اگر دعوت کردی و در ابتدا با عدم پذیرش مواجه شدی، دست بر ندار! یک وقت سراغ نفرین کردن نروی! باز هم دعایش کن! دعوت و دعا ادامه دارد. اگر غیر از این بود من و تو اینجا و در جلسه معارف اسلامی جمع نبودیم. «دعوت» ادامه دارد، «دعا» ادامه دارد و این مسیر انتها ندارد! مکتب انبیا و مکتب الهی همین است!

هرچه برای خود می‌خواهی برای دیگران هم بخواه!

مطلب دیگری که ما از ادعیه مأثوره در روش دعا به دست می‌آوریم، این است که آنچه را که از خدا برای خود می‌خواهی، همان را برای دیگران هم بخواه. آیات در این زمینه خیلی روشن بود: «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِإِلَدَيَّ» (سوره ابراهیم، آیه 41) بین خودش و والدینش فرقی نگذاشته است؛ هم برای خودش طلب غفران می‌کند و هم برای دیگران. این مطلب در آیات متعدد قرآن هست. حالا این آیه راجع به غفران بود؛ نسبت به هر چیز دیگری نیز همین‌طور است.

البته در این مورد نکاتی مطرح است؛ اولاً خیر را نسبت به غیر حذف نکن! این‌جور نباشد که -نعوذبالله- برای خودت خیری بخواهی که برای دیگری در دعایت نخواهی. اگر از خدا برای خودت خیر می‌خواهی، همان را برای دیگری هم بخواه. ثانیاً این‌گونه نباشد که برای خودت چیزی بیشتر و یا برتر نسبت به غیر بخواهی.

پس دو نکته شد؛ یکی مربوط به حذف و اضافه بود، دومی درباره کیفیت دعا و ضریب بالا و پایین آن بود. در مجموع، در دعا تنگ‌نظر نباشید. انسان باید دید وسیع داشته باشد. البته این مسأله سرّی دارد که در آینده عرض می‌کنم.

دعای پیامبر برای خود و علی(ع)

چند روایت در این زمینه می‌خوانم، توجه کنید! عبد الله بن حارث می‌گوید: «قلت لعلی بن أبی طالب أخبرنی بأفضل منزلتك من رسول الله»؛ به علی(ع) گفتم من بگو که برترین مقام و منزلت تو نزد پیغمبر چه بوده است؟ «قال نعم»؛ حضرت فرمود می‌گویم. «بینما أنا نائم عنده وهو یصلی فلما فرغ من صلاته قال یا علی ما سألت الله عز وجل من الخیر إلا سألت لك مثله»؛ من پیش پیغمبر بودم و او نماز می‌خواند؛ وقتی پیغمبر از نمازش فارغ شد فرمود ای علی، من هیچ خیری را از خدا نخواستم مگر این که مثل آن را برای تو هم خواستم.

«و ما استعذت الله من الشر إلا استعذت لك مثل» (کنز العمال، ج 13، ص 151) و از هیچ شرّی به خدا پناه نبردم مگر این که از خدا خواستم تو را هم مانند من در پناه خودش قرار دهد. یعنی در دعا چه نسبت به جلب منفعت و چه دفع ضرر هیچ فرقی بین خودم و تو نگذاشتم.

در روایت دیگری خود امیر المؤمنین می‌گوید: «دخلت علی رسول الله فی المسجد وهو فی مصلى له فی بعض حجره»؛ بر پیغمبر وارد شدم در حالی که حضرت در یکی از اتاق‌های محل نمازشان بودند. «فقال یا علی بت لیلتی هذه حیث تری أصلی»؛ ایشان به من فرمودند دیشب را در همین‌جایی بودم که دیدی نماز می‌خواندم. «و أسأل ربی تعالی فما سألت ربی شیئاً إلا سألت لك مثله»؛ در نمازم هر چه خواستم، برای تو هم خواستم. «و ما سألت من شیء إلا أعطانی»؛ هر چه هم از خدا خواستم، خدا به من داد! «إلا أنه قیل لی لا نبی بعدی» (تاریخ دمشق، ج 42، ص 311) غیر از این‌که به من گفته شد که بعد از من پیغمبری نیست؛ یعنی این را نخواه، چون بعد از تو دیگر پیغمبری مبعوث نمی‌شود.

در دعا برای دیگران قابلیت او هم شرط است

نکته‌ای که در این فراز آخر وجود دارد این است که خدا به انسان عقل هم داده است؛ لذا انسان باید در دعاهایش نسبت به غیر دقت کند و چیزی که تحقق آن محال است را درخواست نکند. اگر نسبت به مسئله‌ای هم تو قابلیت داری و هم دیگری، آن را هم برای خودت و هم برای او بخواه؛ اما اگر او قابلیت ندارد، این دعا لغو می‌شود.

لذا فرمود: «إلا أنه قیل لی لا نبی بعدی»؛ یعنی به پیغمبر گفته شد که برای علی(ع) درخواست پیغمبر شدن نکن؛ چون دیگر این قابلیت وجود ندارد که پیغمبر دیگری برانگیخته شود.

تنگ‌نظر نبودن در دعا، به دلیل کمال ایمان است

انسان نباید در دعاهایش نسبت به دیگران تنگ نظری کند. هر چیزی برای خود می‌خواهی چه در ارتباط با جلب منفعت و چه دفع شرور، همان را برای دیگری بخواه. در آینده توضیح خواهم داد که این از نشانه‌های کمال ایمان است. من چند روایت در مورد پیغمبر و علی(ع) خواندم که دیگر بالاتر از آن نمی‌شد مثال زد.

این روایات را انتخاب کرده بودم که بگویم در دعاهای مأثورمان این روش را به ما می‌آموزند. این‌ها روش دعا کردن است. ان شاء الله در جلسه آینده وارد می‌شوم که این روش دعا کردن در ارتباط با کمال ایمان است و سِرِّش را هم می‌گویم.

پایگاه اطلاع‌رسانی حضرت آیت‌الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی